

اندازه شهر یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی اجتماعی جامعه شناسان کلاسیک با مشاهده تفاوت های میان جامعه مدرن و جامعه سنتی ، به مفهوم اندازه بر حسب تقسیم بندی دوگانه از دو نوع اجتماع توجه کردند.

فردیناند تونیس: گماینشافت (اجتماع) و گزل شافت (جامعه)

دورکیم: جامعه مکانیکی و جامعه ارگانیکی

جامعه سنتی مبتنی بر روابط نخستین و صمیمانه ، تقسیم کار ساده و با اندکی پیچیدگی در روابط اجتماعی و اقتصادی و اندازه کوچک به روستا یا شهرک کوچک

جامعه مدرن مبتنی بر روابط رسمی، تقسیم کار پیچیده و اندازه بزرگ به شهر یا کلان شهر

اندازه شهر و روابط اجتماعی

تعریف شهر در جامعه شناسی

شهر جایی است که در آن

۱. کار به حرفه های تخصصی بسیار تقسیم شده
۲. سازمان اجتماعی بر پایه حرفه و طبقه اجتماعی به جای خویشاوندی است
۳. نهاد های رسمی حکومتی به جای خانواده بر پایه قلمرو است ، و
۴. نظام بازرگانی و تجارت
۵. ابزارهای ارتباط و ثبت وقایع و
۶. فن شناختی عقلانی وجود دارد.

شهرها و روابط اجتماعی نخستین و روابط اجتماعی دومین

ویژگی های روابط نخستین یا صمیمانه :

تماس مستقیم، صمیمانه و رودرروی اعضای گروه با همدیگر ، پیوندهای عاطفی نیرومند، پایداری و دوام و استحکام پیوندهای محبت میان اعضا .

هر چه اندازه یک شهر کوچک تر باشد ، به سبب محدودیت فضای تعامل اجتماعی و تنوع ، روابط اجتماعی ویژگی نخستین پیدا خواهد کرد و امکان بروز فردیت و تفاوت ها کمتر خواهد بود. در حالی که با افزایش اندازه شهر، روابط اجتماعی دومین شکل می گیرد و حمایت ها و خدمات خانوادگی تضعیف می شود.

ویژگی های روابط دومین :

بافزایش اندازه شهر، ویژگی هایی نظیر رقابت، نفع شخصی، کارایی، پیشرفت و تخصص عمومیت می یابد. پیوندهای عاطفی اندک میان اعضا، عدم پایداری احساس تعلق به گروه، گرد هم آمدن اعضای گروه برای یک منظور عملی معین و روابط رودرروی بسیار محدود میان اعضا.

جایگزینی الگوی خانواده هسته ای به جای خانواده گسترده.

«کنش های فرد قابل فهم نیستند مگر در ارجاع به متن اجتماعی که در درون آن واقع می شوند»بودون

اگر رشد شهرها همراه با تأمین و استقرار نهادها و سازمان های مورد نیاز زندگی شهری که مبتنی بر پیچیدگی و شخصی شدن است نباشد، جامعه با بحران های حاد اجتماعی مانند انواع کجروی ها و قانون شکنی ها مواجه خواهد بود.

شهرها و پیدایش نیازهای اجتماعی جدید

۱. ورود فن شناسی های نوین به عرصه های تولید اقتصادی از زمان لازم برای کار می کاهد و عرصه جدید زندگی اجتماعی را با عنوان فراغت می گشاید. غلبه فردیت و اهمیت کمال فردی و شخصیتی برای افراد، قلمرو فرهنگ، هنر و ورزش را بدل به موضوعی عمومی و حساس می سازد.

۲. در شهرهای بزرگ نیازهای فراغتی و تفریحی جدید نیازمند فضاها و نهادهای تخصصی است مانند فرهنگ سراها، موزه ها، سینماها، کتابخانه ها، اماکن ورزشی و

۳. اگر چنین فضاهایی به اندازه مناسب وجود نداشته باشد ساکنان شهرهای بزرگ با مشکلاتی نظیر تنهایی و افسردگی مواجه می شوند.

باز زنده سازی سازمان اجتماعی مبتنی بر روابط شخصی و نخستین که متضمن ساختن هویت و احساس تعلق به شهر نیز باشد در دستور کار برنامه ریزان اجتماعی قرار می گیرد.

در چنین شرایطی محله به عنوان فضایی شهری که در مقیاسی انسانی می تواند جایگاه چنین روابطی باشد، نقش برجسته ای می یابد.

تحقق آرمان جامعه توده ای: Mass community بر خلاف ایده آل ها و ارزش های کنونی بشریت است.

کلان شهرها و تنزل روابط اجتماعی

زیمل و مفهوم دلزدگی :

محرك های بیشمار، تنوع آن ها و تحریکات مداوم عصبی در شهرهای بزرگ، ساکنان آن ها را به نظر زیمل دچار نگرش دلزدگی یا بلازده می کند.

وفور و تمرکز آدمیان و اشیاء به تشدید تحریکات نظام عصبی به واکنش نشان ندادن به تحریکات به نگرش یکنواختی و عدم برتری و فرایند ارزش زدایی

محدود بودن ظرفیت آدمی برای واکنش نسبت به برخوردهای خارجی و بی شماری این برخوردها و عدم توان برخورد درونی افراد با آن ها سبب می شود ساکنان کلان شهرها نسبت به یکدیگر یک حالت ذهنی پیدا کنند که زیمل آن را احتیاط می نامد.

« زندگی کلان شهری عرصه وسیعی برای آزادی فردی »

گافمن و مفهوم بی توجهی مدنی

در اجتماعاتی که جمعیت های پرشمار ، پر جنبش و شتابان داشته باشند و تماس ها زودگذر و غیر شخصی باشد ، رهگذران سریعاً نگاهی به یکدیگر می اندازند و هر فرد به دیگری نشان می دهد که حضور وی را درک کرده است اما از هر گونه حرکتی که ممکن است مزاحمانه تلقی گردد اجتناب می کند. به زعم زیمل به شکل آگاهانه و هدفمند از برقراری ارتباط اجتماعی با افراد غریبه احتراز می نمایند.

با تمام اینها مسئله تنزل روابط اجتماعی در کلان شهرها بر جای خود باقی می ماند، مسئله ای که در بحث های نظری جدید با عنوان تنزل و « فرسایش سرمایه اجتماعی » طرح می شود .

سرمایه اجتماعی و نقش آن در حفظ سامان اجتماعی شهرها

فرسایش سرمایه اجتماعی به عنوان یک ملاحظه مهم اجتماعی در شهرهای با اندازه بزرگ به معنی تضعیف هنجارهای تسهیل کننده کنش اجتماعی ، کم شمار شدن انجمن ها و گروه های داوطلبانه ، کم توجهی به مسایل عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی است. افراد اجتماع که در گذشته بر اساس منافع جمعی می اندیشیدند و منافع شخصی خود را نیز در قالب منافع جمعی دنبال می کردند ، تنها به فکر موفقیت و نفع فردی خویش بی توجه به دیگران خواهند بود.

ایده حکومت مداری خوب Good Governance و کاربرد آن اهمیت زیادی برای بهبود شرایط سکونت و زیست داشته است. در جاهایی که حکومت مداری خوب متشکل از دولت ، بخش خصوصی و جامعه مدنی در مشارکت با یکدیگر به مدیریت امور عمومی پرداخته اند و نهادهای اداره کننده امور دموکراتیک، محاسبه پذیر و پاسخگو به نیازها و اولویت های شهروندان بوده اند، توانسته اند تا با بهبود شرایط زیست، ده تا پانزده سال امید زندگی را افزایش دهند. از سوی دیگر حکومت مداری خوب و محاسبه پذیر می تواند مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی را در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهری جلب نماید.

مفهوم سرمایه اجتماعی

کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در رساله ها و مقالات دانشگاهی به ویژه در رشته های جامعه شناسی ، اقتصاد ، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون جیمز کلمن ، پیر بوردیو ، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است .

در نخستین کاربردهای سرمایه اجتماعی از سوی اقتصاد دانان، این مفهوم به عنوان دارایی های مالی یا زیرساخت های مادی تعریف شد.

در یکی از فرهنگ های اقتصادی در تعریف سرمایه اجتماعی آمده است : کل سرمایه های موجود در یک اقتصاد که نه فقط شامل ساختمان ها و ماشین های تولید است بلکه تجهیزاتی مانند بیمارستان ، آموزشگاه و صنایع دفاعی را نیز در بر می گیرد.

مفهوم دیگر نزدیک به سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی است که به معنی سرمایه گذاری برای پرورش انسانی فرهیخته ، سالم و مطلع است.

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه شناسی آمریکایی عبارت است از روابط دوجانبه ، تعاملات و شبکه هایی که در میان گروه های انسانی پدیدار می گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می شود.

جامعه شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع بکار می گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه های اجتماعی ، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می کند.

اهمیت سرمایه اجتماعی در بازسازی روابط اجتماعی و تقویت فرهنگ مدنی آن را به عنوان راه حلی برای مشکلات توسعه به ویژه در شهرهای بزرگ جذاب می سازد.

دیدگاه پیر بوردیو

سرمایه

۱. سرمایه اقتصادی

۲. سرمایه فرهنگی

۳. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از پیوندهای اجتماعی ساخته شده است و تحت برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می شود و ممکن است به شکل اشرافی نهادینه شود.

ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیا و نمادها بنیان نهادند. فرد با عضویت در گروه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد شریک می شود که در خود منابع بالقوه و بالفعلی (سرمایه اجتماعی) برای او دارد.

افراد برای حفظ یا بهبود موقعیت های اجتماعی شان در محدوده های متعدد فعالیت های نهادینه شده ، « حوزه ها » ، مبارزه می کنند.

بوردیو این موقعیت های منزلتی که از نظر اجتماع شناخته شده اند و ادراکات آن هایی که فرد به طور مشروع با آن ها مرتبط است و شیوه مناسبی که در آن ها تعامل ها روی می دهند ، همگی را تظاهرات سرمایه اجتماعی می داند .

دیدگاه جیمز کلمن

سازمان اجتماعی پدید آورنده سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند. اول شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند و دوم کنش های معین افرادی را که در

درون ساختار هستند تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی سبب می شود تا هزینه های دستیابی به هدف های معینی کاهش یابد.

همچنین کلمن سرمایه اجتماعی را یک سرمایه عمومی در حال تولید در نظر می گیرد.

عوامل ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی

۱. کمک

۲. ایدئولوژی

۳. اطلاعات

۴. هنجارها

کلمن سرمایه اجتماعی را یک « کالای عمومی » در حال تولید در نظر می گیرد. منبعی جمعی که برای تمامی افراد عضو در شبکه های بسته و دارای تعامل با یکدیگر سودمند است و بر این عقیده است که جوامع دارای سرمایه اجتماعی زیاد می توانند به رفاه و سعادت دست یابند ، اما جوامعی که سرمایه اجتماعی در آن ها ناکافی است گرفتار مسائل متعدد خواهند شد.

فرانسیس فوکویاما این بحث را دنبال کرده است . او سرمایه اجتماعی را به عنوان « توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه ها و سازمان ها » تعریف می کند و آن را منتسب به کلمن می کند .

دیدگاه رابرت پاتنام

سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می کند . این ویژگی ها عبارتند از :

شبکه ها : شبکه های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه ای وجود دارند. شبکه ها در دو نوع « افقی » و « عمودی » هستند. در شبکه های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردار هستند. در شبکه های عمودی شهروندان نابرابر به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند دارند.

کنش های افقی قوی در شبکه های مشارکت مدنی مانند انجمن های همسایگی، کانون های سرودخوانی، تعاونی ها، باشگاه های ورزشی و احزاب توده ای روی می دهند.

« هر چه ساختار سازمانی افقی تر باشد، موفقیت نهادی آن در اجتماع بیشتر است »

هنجارهای معامله متقابل: از مهم ترین هنجارهای گروه اجتماعی هستند که مهم ترین سودمندی آن ها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. این هنجارها از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی هستند.

اعتماد اجتماعی: پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند. اعتماد همکاری را تسهیل می کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می کند. به این ترتیب هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود به جای استهلاک و کاهش بیشتر افزایش خواهد یافت.

در مجموع پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد ، هنجارهای معامله متقابل و شبکه های افقی تعامل می داند که دارای ارتباطات درونی ، خود تقویت کننده و خود فزاینده هستند.

جمع بندی نظریات بورديو، کلمن و پاتنام

نظريه پردازان	منبع جمعی با ارزش	نتیجه و دستاورد	کنترل اجتماعی
بورديو	در حوزه های اجتماعی خاص با بخشهای طبقه	قدرت گروه فرعی یا فرد بر دیگران	زور ورزی نمادی - طرد برخی افراد از منابع فرهنگی یا اقتصادی
کلمن	در خانواده و سازمانهای رسمی	افزایش سرمایه انسانی فرد و رفاه اجتماعی-اقتصادی	نظریه محافظ کارانه تأکید بر ساختارهای اجتماعی با ثبات
پاتنام	در مناطق بزرگ	تأسیس نهادهای دموکراتیک	نظریه محافظه کارانه تعامل اجتماعی مثبت و منفی

با افزایش اندازه شهر و از میان رفتن شبکه های اجتماعی پیشرو ، سرمایه اجتماعی که برای تسهیل کنش اجتماعی ضروری است از میان می رود یا کاهش می یابد . در صورت فقدان سرمایه اجتماعی یا ضعف آن ، نهادهای دموکراتیکی چون شوراهای شهر و گروه های غیردولتی و داوطلبانه به سبب اتکای آن ها به اعتماد و مشارکت اجتماعی نمی توانند عملکرد موفقیت آمیزی داشته باشند.

افزایش و گسترش زندگی اجتماعی در شهر های بزرگ و کلان شهرها موجب پیچیدگی و چندپارگی و حتی تنزل روابط اجتماعی می شود . اگرچه زندگی در کلان شهرها آزادی فرد را به دنبال دارد ، امتداد بیمرز فردیت سبب می شود تا فرهنگ مدنی آسیب پذیر شود .

پیشنهاد و راه حل این مسأله به نظر این دسته از دانشمندان ، بازسازی روابط اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی است.

هویت اجتماعی و فرهنگی

مجموعه مشخصی از الگوهای رفتاری منحصر به فرد که اعضای جامعه را از دیگر اجتماعات متمایز می کند هویت اجتماعی می نامند.

درون هر هویت اجتماعی هویت های جمعی متعددی وجود دارد.

هویت جمعی شناسه آن حوزه و قلمروی حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر ما خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می داند و در برابر آن اساس تعهد و تکلیف می کند. مانند: ما ایرانیان، ما لر ها و...

هویتهای جمعی برحسب تعداد افراد تحت پوشش، میزان استحکام و ثبات و شدت روابط اجتماعی درون آنها به سطوح متعدد از کوچک تا بزرگ تقسیم می شود.

در جوامع کوچک مانند روستا، هویت‌های جمعی مشخص است، اما در شهرهای بزرگ هویت‌های اجتماعی اشکال متعدد و متنوع از سنتی تا جدید به خود می‌گیرد.

بحران هویت

از آنجایی که شهر بزرگ عرصه تغییرات و تحولات بی‌شمار است، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد به ویژه مهاجرین از هویت‌های قبلی خودکنده شوند و در وضعیت ناپیوستگی به هویت‌های جدید یا عدم شکل‌گیری آنها به مسئله بحران هویت دچار آیند.

هویت‌های اجتماعی خاص و عام

یکی از ملاحظات اجتماعی در شهرهای بزرگ توجه به مسئله غلبه هویت‌های اجتماعی خرد و خاص گرا بر هویت‌های اجتماعی جمعی و عام گرا است.

هویت‌های اجتماعی خاص و عام از نظر دور کیم:

۱. استفاده از دو مفهوم همبستگی مکانیکی مربوط به جامعه ای کوچک و همبستگی ارگانیکی مربوط به جامعه ای بزرگ.
۲. در جامعه کوچک وساده آنچه قوام زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد وجدان اجتماعی است، همه افراد شبیه یکدیگر و تفاوت و تمایزات زیادی میان آنها نیست.
۳. در جامعه بزرگ صنعتی تقسیم کار پیچیده و تخصصی سبب شده هویت‌های فردی متعددی در جامعه پدیدار شود، افراد بر اساس پذیرش تفاوتها و استقلال فردی و برپایه تخصصی شدن امور به یکدیگر وابسته اند.

میتوان گفت:

تعلق بیش از اندازه به هویت‌های اجتماعی خاص سبب میشود تا فرد پذیرای تنوع و گوناگونی فرهنگی و اجتماعی نباشد، امری که برقراری پیوند و وحدت لازم برای کارکرد هویت‌های اجتماعی عام مانند شهروندی را با مشکل مواجه می‌سازد.

هویت‌های فرهنگی شهری جدید

از واقعیت های مهم زندگی جدید تحمیل هویت‌های یکسان برای تمامی افراد و قالبی کردن شیوه اندیشیدن و رفتار برای اعضای جامعه باهدف تسهیل اعمال حاکمیت و فروش کالا است.

کاستلر عقیده دارد که:

۱. شهرنشینان در برابر تجزیه اجتماعی مقاومت می‌کنند و حول اهداف جمعی، خود را در شکل اجتماعی سازماندهی می‌کنند و هویت‌های جمعی جدید می‌یابند.
۲. سازوکار هویت یابی جدید، نهضت های شهری است

اهداف نهضت های اجتماعی شهری از نظر کاستلز:

۱. این نهضتها فرآیندهای بسیج اقتصادی هدفدار هستند.
۲. در منطقه معینی سازمان می یابند.
۳. در پی نیل به اهداف شهری هستند.

ویژگیهای نهضت‌های اجتماعی شهری:

۱. تقاضاهای شهری درباره شرایط زندگی و مصرف جمعی.
۲. تحکیم هویت محلی و فرهنگی.
۳. کسب خود مختاری محلی و سیاسی.
۴. مشارکت شهروندی.

تفاوت پذیری و همگرایی هویت‌های اجتماعی شهری

از جنبه های مثبت هویت های جمعی جدید در نواحی شهری جهان مقابله با تخریب محیط زیست و آلودگی است. در جوامعی که در دوران گذار هستند، هویت‌های جمعی سنتی به عنوان مانعی در برابر برنامه های توسعه عملی کنند.

فرآیند های هویت های جمعی:

۱. فرآیند تفاوت پذیری با پیدایش و رشد هویت های خاص گرایانه.
۲. فرآیندهای همگرایی در قالب هویت های عام گرایانه با حفظ هویت های خاص.

نتایج تحقیق هویت های جمعی در ایران

۱. سطح هویت جمعی در جامعه ایران بسیار نازل، کوچک و خاص گرایانه است.
۲. هویت جمعی عام در سطح کشور بسیار ضعیف است.
۳. در هویت جمعی مطلوب در جامعه شهری جهشی از هویت کوچک خاص گرایانه قومی به بزرگترین و عام ترین هویت جمعی یعنی هم نوع وجود دارد که نشانه ضعف هویت عام است.
۴. عدم شکل گیری هویت های جمعی شهری مانع تشکیل شهروندی می گردد.

هویت اجتماعی مبتنی بر شهروندی

جنبه جدید و مهم از مفهوم شهروندی این پیش فرض است که هر شهروندی حق دارد که در اداره جامعه سیاسی مردم‌شورت قرار گیرد و وظیفه دارد که به جریان مشاوره عمومی یاری رساند.

ارسطو آغاز گر مبحث شهروندی است، شهروند کسی است که در شهری که مسکن او است حق دادرسی و بیان عقیده درباره امور را دارد.

تی اچ مارشال برای تحقق شهروندی برخورداری از حقوق سه گانه مدنی، سیاسی و اجتماعی را لازم می داند.

شهروند در نظامی تحقق خواهد یافت که دموکراتیک باشد یعنی اعضای جامعه، بی ملاحظه تمایزات اجتماعی، نژادی، جنسی و اقتصادی حق مشارکت و بیان عقیده را داشته باشند.

یکی از ویژگیهای اساسی نظام دموکراتیک که آن را از دیگر شیوه های حکومتی متمایز می کند « رضایت » است، به این معنا که مشروعیت حکومت و قوانین تنها هنگامی برقرار می گردد که افراد رضایت داشته باشند.

آرمان دموکراسی این است که تصمیمات مؤثر بر جامعه باید با نظر تمامی اعضای آن انجام گیرد. این یک ویژگی بنیادی و نقطه اختلاف میان گفتمان جدید و سنتی است.

تبیین حقوق شهروندی در عرصه فرهنگی و اجتماعی یک اقدام ضروری برای سازمان های اجرایی مسئول در سطح شهرهاست. هر چه اندازه شهر بزرگتر باشد، مسائل و شیوه های اداره امور پیچیده تر خواهد بود.

تشکیل هویت جمعی عام مبتنی بر شهروندی از ملاحظات اجتماعی مهمی است که باید در جوامع دموکراتیک مورد توجه قرار گیرد.

شهر های بزرگ و پیوند اجتماعی

در ارتباط با پیوند اجتماعی دو پیش فرض وجود دارد:

۱. بزرگی اندازه شهر سبب می شود تا پیوندهای اجتماعی میان افراد سست شود یا از میان برود، که نتایج برخی از تحقیقات با این پیش فرض متفاوت است.

۲. قوت شبکه های قومی و محلی موجود در شهر های بزرگ خطر تضعیف هویت جمعی شهر را به همراه دارد.

در شهر های بزرگ وابستگی متقابل هم خویشان با یکدیگر سبب می شود تا آن ها تمایل زیادی به تشکیل رسته های مسکونی پیدا کنند. افراد ساکن در این گونه محلات با داشتن مراکز و نهادهای اجتماعی خاص خود شبکه های مستحکم اجتماعی را ایجاد کرده اند.

شهر بزرگ به سبب تنوع و تعدد گروه های قومی مختلف سبب می شود تا افراد متعلق به اقوام گوناگون، مرزهای روشن و متمایزی پیدا کنند.

اندازه بزرگ در کلان شهرها سبب میشود تا احتمال گرد هم آمدن افراد با سلیقه های متفاوت و حتی غیرعادی بیشتر شود.

امنیت اجتماعی و بزه کاری در شهرها

امنیت اجتماعی و بزه کاری دو روی یک سکه اند. هرچه میزان بزه کاری و جرم در جامعه پایین تر باشد، میزان امنیت اجتماعی بالاتر است و بالعکس.

این باور در اذهان وجود دارد که جرائم و فساد در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک است و به همین نسبت امنیت اجتماعی هم در شهرهای کوچک بیشتر است.

ویژگی بنیادین شهر بزرگ تراکم جمعیت است. تراکم جمعیت بیشتر، در شهرهای بزرگ به همراه خود تخصصی شدن و تمایز یافتن فزاینده را در پی دارد. به این ترتیب نظام روابط اجتماعی در شهرهای بزرگ پیچیده تر است که حفظ و تداوم نظم اجتماعی را در مقایسه با شهرهای کوچک مشکل تر می سازد.

فرسایندگان سامان زندگی اجتماعی:

۱. شهری شدن که شدت کنترل اجتماعی را بر جمعیت کاهش می دهد.
۲. صنعتی شدن که از طریق ساز و کارها بازار کار، طبیعت و کارکرد خانواده را تغییر می دهد.
۳. رشد جمعیت، از این رو که گروه های سنی که پیش از دیگر گروه ها احتمال دارد مرتکب جرائم معمول شود (نوجوانان و جوانان) در حال رشد نسبی هستند.
۴. تحرک جغرافیایی و اجتماعی، چون در این تحرک فاصله بین خواسته ها و امکانات زیاد است.

نظم اجتماعی

یک عامل ضروری حفظ امنیت اجتماعی، وجود نظم اجتماعی است. در شهر بزرگ به علت تنوع و تعدد ساختارها و تشکلات و پیچیدگی روابط اجتماعی، حفظ نظم اجتماعی چندان ساده نیست. نظم اجتماعی با پیروی و رعایت ابزارهای انتظام بخش جامعه یعنی ارزش ها، آداب و رسوم، عرف ها و قوانین تأمین می گردد. در شهر بزرگ چون روابط از نوع غیر شخصی و دومین است، قوانین و مقررات جایگاه مهم تری را نسبت به سایر ابزارهای انتظامی پیدا می کنند.

نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی رسمی: منظور نهادهای تخصصی تعریف جرم، مقابله با بزه کاران و مجازات آنهاست. **نظارت اجتماعی غیر رسمی:** به مجازات هایی اشاره دارد که گروه های اجتماعی برای مقابله با کجروی و ناهمنوایی افراد خاطی از ارزش ها و هنجار های گروه اعمال می کنند. در شهر های کوچک اهمیت نظارت اجتماعی غیر رسمی بسیار بیشتر از نوع رسمی آن است.

تفاوت نرخ جرائم در شهر های بزرگ و کوچک

گیلبرت و گاگلر:

۱. تفاوت چشمگیری میان میزان جرائم توام با خشونت در شهر ها و مناطق روستایی وجود ندارد.
۲. در مناطق روستایی جرائم به پلیس گزارش نمی شود و بزه کاران روستایی کمتر به دست عدالت سپرده می شوند.

عوامل مؤثر در میزان جرایم در شهر های بزرگ به دو دسته تقسیم میشوند:

۱. اقتصادی، مانند: فقر مستأجران مسکن بخش عمومی و عدم تخصیص اعتبار کافی از سوی مقامات محلی.

۲. اجتماعی، مانند: غیر شخصی شدن روابط اجتماعی و تجاری شدن آن.

گیدنز:

روسپیگیری با فرو پاشی اجتماعات کوچک محلی، توسعه نواحی شهری بزرگ و غیر شخصی و تجاری شدن روابط اجتماعی ارتباط مستقیم دارد.

جرائم سازمان یافته در شهرهای بزرگ

جرائم سازمان یافته از گونه های شایع رفتار های بزه کارانه است که در شهر های وجود دارند

آرچر و گارتز معتقدند: جرائم سازمان یافته به اشکال فعالیتی اطلاع میشود که بسیاری از ویژگی های سوداگری متعارف را دارند اما غیر قانونی محسوب میشوند.

باندهای بزه کاری عموماً در اجتماعات خرده فرهنگی که شانس چندانی برای موفقیت از راه مشروع ندارند شکل می گیرند. مانند: اجتماعات مهاجرین قومی

در شهر های بزرگ تعداد اجتماعات خرده فرهنگی فراوان است و از این رو احتمال شیوع رفتارهای بزه کارانه نیز بیشتر است.

تبیین های نظری علل بزه کاری در شهرهای بزرگ

در مورد علل بزه کاری در شهر های بزرگ چهار توضیح نظری وجود دارد:

۱. بی سامانی و نابسامانی اجتماعی:- عدم امکان برقراری نظارت اجتماعی-عدم وجود رفتار بهنجار مورد اجماع همگان- (لوئیس ویرث)

۲. آنومی یا آشفتگی اجتماعی (بر اساس مباحث دورکیم و مرتون) =وضعیت «بی قاعدگی» و «بی هنجاری»

۳. تفسیر های ساختاری(مشمول بر چهار عامل:بی توجهی به بیگانه،ناچاری و اضطراب،وسعت شهر،نیاز های فراوان و مشتریان بیشتر)

۴. قضیه ترکیبی:شهر بزرگ محیط مناسبی برای بزه کاران شهرهای کوچک است.«گیلبرت» پیدایش شرایطی است که احتمال بروز رفتار مجرمانه را افزایش می دهد.

جمع بندی

اندازه کوچک شهر سبب می شود تا انسجام اجتماعی بیشتر شده و افراد بتوانند به کالاهای عمومی دست یابند.

در شهر های کوچک تعاملات اجتماعی از طریق روابط رودررو و صمیمانه سازمان اجتماعی را می سازند.اما در شهر های بزرگ یگانگی اجتماعی کلی از بین می رود.

در محیط های کوچک روابط احساسی در ابعاد ناخودآگاه روان جای دارد و زندگی بر مبنای سنت و عادت آسان گردیده است. اما در محیط های شهری بزرگ زندگی عقلانی شده است .

فرسایش سرمایه اجتماعی به عنوان یک ملاحظه مهم اجتماعی در شهرهای بزرگ به معنی تضعیف هنجارهای تسهیل کننده کنش اجتماعی، کم شمار شدن انجمن ها ، کم توجهی به مسائل عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی است .

سرمایه اجتماعی به عنوان راه حلی برای مشکلات توسعه است.

با افزایش اندازه شهر، سرمایه اجتماعی که برای تسهیل کنش اجتماعی ضروری است از میان رفته و یا کاهش می یابد. در نتیجه نهاد های دموکراتیک مانند شورای شهر به سبب اتکای آنها به مشارکت اجتماعی، عملکرد موفقیت آمیزی ندارند .

افزایش و گسترش زندگی اجماعی در شهرهای بزرگ و کلانشهر ها موجب پیچیدگی و چند پارگی و تنزل روابط اجتماعی می شود . امتداد بی مرز فردیت سبب می شود تا فرهنگ مدنی آسیب پذیر شود .

عمده ترین مقیاسی که در مطالعات شهری مورد استفاده قرار می گیرد :

۱. جمعیت
۲. نیروی انسانی فعال
۳. تعداد خانوار
۴. میزان ارزش افزوده در محدوده در طی فرایند تولید

برای مطالعات شهری مسئله اندازه بهینه شهر از اهمیتی اساسی برخوردار است به اشکال مختلفی در موضوعات دیگر از جمله برنامه ریزی شهر های جدید ، محدود کردن رشد شهر های موجود ، بازسازی شهر های ویران شده و یا روبه زوال رفته است و پراکنش شهر به عنوان دفاعی غیر نظامی ، عدم تمرکز جمعیت شهری و نیز کنترل مکان های صنعتی ، منعکس می شود. این موضوع به نوبه خود به مسائل گوناگون بهینه سازی مربوط می شوند . از جمله الگوی بهینه ، شهر هایی با اندازه های گوناگون ، اندازه بهینه یک شهر اصلی به عنوان مرکز خدماتی برای مناطق پیرامونی خود ، اندازه بهینه واحد های مسکونی و اندازه بهینه شهری به خصوص و یا شهر هایی از نوع خاص هستند .

اندازه بهینه شهر از دیدگاه آلنزو : مزایای شهری کم تر از تناسب با اندازه های شهری افزایش می یابد درحالی که هزینه های شهری بیشتر از تناسب با اندازه شهر ی افزایش می یابد لذا در یک نقطه هزینه های شهری بیشتر از سود آن می شود و این نقطه را اندازه بهینه شهری تعریف می کنند و فراتر از این نقطه شهر ها بیش از حد بزرگ محسوب می شوند

دید گاههای گوناگون نسبت به شهر و شهر نشینی:

۱. Brown, ۱۹۹۵: رشد شهر موجب تخریب زیست محیطی می شود
۲. Massy, ۱۹۹۶: رشد شهر موجب بروز جرم و جنایت می شود
۳. Harrison, ۱۹۸۲: شهر جایگاه فرصت ها و جزیره امتیازات است

شهر ها غالبا به دلیل تمرکز صنعتی و توسعه ، در ابتدا مرکزی برای فرصت ها هستند . اما زمانی که شهر ها جمعیت بیشتری را بدون ایجاد تاسیسات زیر بنایی کافی اسکان می دهند شرایط زندگی شهری اندک اندک رو به وخامت می گذارند مدیریت شهری و رشد جمعیت عوامل بسیار مهمی هستند که بر شرایط زیستی انسان تاثیر می گذارند.

رویکردهای مختلف برنامه ریزی شهری نسبت به تمرکز شهری

گروه انطباق گرایان

۱. مشکلات شهر ها بیش از اندازه بزرگ نمایی شده است.
۲. سیاست ها باید در راستای بهره وری از مزیت های مثبت تمرکز باشد.
۳. سیاست های دولت باید در جهت جذب نیروی کار مهاجر به شهر ها باشد.
۴. شهر باید از لحاظ اقتصادی رشد کند که باعث رشد و توسعه کشور شود.
۵. شهر زمینه نوآوری و تنوع را ایجاد می کند

۶. اندازه شهر متناسب است با : ظرفیت رشد اقتصادی ، ظرفیت تاسیسات زیر بنایی، ظرفیت تاسیسات حمل و نقل

شعار: شهرموتور رشد اقتصادی کشور

سیاست های گروه انطباق گرایان :

۱. حمایت از بخش خودیار
۲. افزایش کارایی مدیریت شهری
۳. افزایش در آمد زایی شهر
۴. برنامه ریزی جهت جذب کامل نیروی کار

گروه مداخله گرایان

۱. رشد نامتوازن شهری برای توسعه کشور زیان آور است.
۲. دولت ها باید در جهت ایجاد تعادل ، جمعیت را به شهر هایی که امکان برخورداری از صرفه های تجمع و ارتباط متقابل با روستاهای پیرامونی خود دارند سرازیر و تمرکز زدایی نمایند.
۳. تجمع بیش از حد شهری زیان آور است و باید از آن اجتناب نمود
۴. معضلات شهر های بزرگ غیر قابل حل نیستند.
۵. زمانه مداخله برای تمرکززدایی در شهر هنگامی است که شهر ها به جمعیت ۱ تا ۲ میلیون نفر می رسند.
۶. طرفدار نظام شبکه شهری متعادل اند به دلیل انتشار مزایای مثبت نو آوری و رشد اقتصادی.

در مجموع :

برنامه ریزی از قرن ۱۹ تا دهه هفتاد قرن ۲۰ تحت تاثیر ۳ دیدگاه بوده است :

۱. ضد شهری
۲. جبر گرایی کالبدی
۳. ضد برنامه ریزی

در این فاصله زمانی علیرغم دیدگاههای بالا شهر های بسیاری به صورت سرسام آوری بزرگ شده و تبدیل به کلان شهر گشته اند و واکنش برنامه ریزان شهری با متاثر بودن از دیدگاههای ضد شهری فوق تنها اقدام به تهیه طرح های جامع برای محدود کردن توسعه شهر ها از طریق کنترل میزان مهاجرت ، کنترل میزان رشد جمعیت ، کنترل رشد شهر های بزرگ ، تمرکز زدایی ، محمل ایجاد قطب های اقتصادی و یا ایجاد پارهای شهر های جدید در پیرامون کلان شهر ها می توان دانست.

دیدگاه هریس:

برنامه ریزی شهری در دوران گذشته دارای گرایشات ضد شهری بوده اند

رشد مسائل موجود شهر در عدم تعادل جمعیت شهر های بزرگ و عدم تراکم جمعیتی است

اندازه تراکم و جمعیت ریشه فقر و یا دیگر معضلات اجتماعی شهر نیست

معضلات اجتماعی تنها ریشه فضایی ندارد

معیار مشخصی جهت اندازه بهینه شهر وجود ندارد

رشد شهر های کوچک و متوسط برای کل کشور مثبت خواهد بود و الزاما باید رشد شهر کنترل شود.

مدیریت شهری و مسئله اندازه شهر :منبع : (ربانی رسول ، جامعه شناسی شهری ،دانشگاه تهران انتشارات سمت ۱۳۸۱)

مدیریت : فرایند هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف سیستم در قالب برنامه ریزی ،اجرا ، کنترل

در ایران منابع مختلفی اهداف مدیریت شهری را تعیین می کند که عمده ترین آنها عبارتند از :

۱. قانون شهر داریها
۲. برنامه های توسعه اقتصادی
۳. اجتماعی و فرهنگی کشور
۴. طرح های توسعه شهری

مدیریت شهری یعنی :

۱. سازمان دهی فعالیت های شهر
۲. برنامه ریزی برای شهر
۳. نظارت بر فعالیت ها
۴. ایجاد انگیزه در سازمان ها و شهروندان برای انجام بهینه امور

مدیریت شهری و مسئله اندازه شهر

دیدگاه پرلمان:

تا سال ۲۰۲۰ مراکز شهری دارای رشد سر سام آوری خواهند بود که ضرورتا زمینه هایی برای جهش کیفی فراهم خواهد آمد اما در برابر چنین جهشی موانع رو به رو وجود دارد :

۱. یاس و ناامیدی که سیاست گذاران با آن در گیرند
۲. فرضیات کهنه مانع دیدن فرصت ها و واقعیت نوین می شود
۳. انزوای بخشی ،موضوعی
۴. مشوق های غیر سازنده
۵. مقاومت در برابر تغییرات

بیشتر این موارد به نحوی به مسئله مدیریت مربوط می شود.

دیدگاه پرودوم

۱. مدیریت مناسب اندازه بهینه شهر را تغییر می دهد.

۲. مدیریت مناسب می تواند دائماً منحنی سود و هزینه های شهری را تغییر و در واقع اندازه بهینه شهر را تغییر دهد.
 ۳. آنچه که اهمیت دارد اندازه شهر نیست بلکه مسئله مدیریت آن است
 ۴. شهر های بزرگ وسیله عمده توسعه اقتصادی کشور ها نیستند
 ۵. ابر شهر ها می توانند بازدهی خوبی داشته باشند به شرطی که به خوبی مدیریت شوند.
 ۶. نقش کلیدی را اندازه موثر بازار کار دارد.. که به اندازه شهر ،وسعت شهر و میزان کارایی سیستم حمل و نقل وابسته است.
 ۷. بالفعل شدن توسعه اقتصادی به مطلوبیت مدیریت شهری بستگی دارد.
- شعار :** شهر های بزرگ زیاد از حد بزرگ نیستند بلکه مدیریت آن ها دشوار است
- نرخ اجرا × نرخ تولید بالقوه = نرخ تولید موثر یک شهر

تابعی است از مدیریت شهر و اندازه شهر

بهبود مدیریت بنابر نظر پرودوم مدیریت خوب حمل و نقل و آب است.

ریچاردسون: اندازه بهینه ای برای شهرها وجود ندارد بلکه تابعی از برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی اقتصاد و فناوری است

برنامه ریزی شهری به شهرهای ثروتمند به قابلیت جذب فناوری پیچیده به بالارفتن جمعیت به بهتر شدن کیفیت زندگی

دیدگاه ریچاردسون در خصوص مشکلات مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه :

۱. ضعف مدیریتی در این کشور ها در قابل مشاهده است.
۲. نوع مشکلات مدیریتی با اندازه شهرها متفاوت است
۳. شهر های کوچک قادرند با هزینه سرانه کمتری جمعیت را جذب کنند با این وجود با در نظر گرفتن هزینه سرانه بالای جذب جمعیت در مناطق حاشیه ای و نیز مشکلات جابه جایی جمعیت به طرف شهر های کوچک تر این امتیاز دوام نمی یابد
۴. مسئله پدیدار شدن و یا ایجاد یک ساختار فضایی چند هسته ای و نیز ایجاد چارچوب سازمانی مناسب جهت مدیریت توسعه یکی از معضلات مشخص شهر های بزرگ است.
۵. معضل مدیریتی در شهر های بزرگ تر به مراتب جدی تر است در حالی که در شهر های کوچک مسئله کمبود منابع است.

نتیجه گیری:

۱. خلاق ترین رویکردها اغلب از تجربیات محلی از سوی مردم ، گروههای محلی و دیوان سالارهای محلی ، کسبه که به طور روزانه درگیر مشکلات جامع محلی هستند به دست می آید.
۲. اندازه بهینه ای برای شهر وجود ندارد شهری می تواند مطلوب باشد که دارای مدیریت شهری کارآمد باشد.
۳. سیاست ها و برنامه های پایدار باید در جهت حداکثر بهره گیری از منابع انسانی و طبیعی و مالی باشد.
۴. نیروی انسانی ، تشکیلات ، مکانیزم سازمانی و ساختارهای متنوع و گروههای عامل ، گروههای محلی و ... می توانند موجب ارتقای مدیریت شهری شوند

۵. می توان با ایجاد تغییراتی در منحنی هزینه – فایده باعث کاهش هزینه ها و افزایش سودمندی شد.
۶. مدیریت شهری خوب می تواند باعث افزایش اندازه مطلوب شهر شود .
۷. نمی توان انتظار داشت که یک مدیریت متمرکز بتواند به طور موثر نیاز ها و منابع یک کلان شهر ۱۰ میلیونی را به طور موثر متعادل سازد.
۸. نیاز به فرایند غیر متمرکز و مشارکت احتمالی ایجاد چنین تعادلی را بیشتر میکند
۹. مشارکت محلی بیشتر در برنامه ریزی توزیع خدمات ، تخصیص بودجه و تصمیمات کاربری اراضی این امکان را فراهم می سازد که سیاست ها و برنامه های پایدار جهت حداکثر بهره گیری از منابع انسانی ،طبیعی و مالی شکل می گیرد.

فصل هفتم : اندازه شهر ، جمع بندی و نتیجه گیری

موضوع اندازه شهرابعاد وسیع و گسترده ای دارد ، در ابتدای کتاب این موضوع ابتدا از دید نظریه پردازانی که به اندازهی بهینه شهر پرداختند بررسی شد سپس این موضوع را در چهارچوب شهرهای کوچک ، میانی و بزرگ بررسی کردند و در نهایت بحث های مدیرست شهری و ملاحظات اقتصادی ، اجتماعی و زیست محیطی مطرح شد.

نظریات مربوط به مفهوم اندازه بهینه شهر

این نظریات در چهار گروه قرار می گیرند:

گروه اول: پیشنهاد اندازه مشخصی به عنوان اندازه بهینه شهر

دو نکته قابل توجه در این دوره :

۱. مطالعات انجام شده بین سال های ۱۹۳۷ تا ۱۹۷۱ بوده

۲. ارقام پیشنهادی وسیع اند (از ده هزار نفر برنان در سال

در نهایت با نظریه ریچاردسون همسو میشویم که موضوع اندازه بهینه شهر به تنهایی موضوع مفیدی نیست و باید برنامه ریزی های اقتصادی ، شهری و فناوری را در آن دخیل کنیم .

گروه دوم: بی اعتقاد به اندازه بهینه شهر که تمامی این نظریات پس از دهه ۱۹۷۰م. ارایه شد.

گروه سوم: اندازه شهر در قالب سلسله مراتب شهری

گروه چهارم: شهرهای کوچک، میانی و بزرگ

نظریات مرتبط با شهرهای کوچک، میانی و بزرگ

دلایل اندیشمندان طرفدار شهرهای کوچک و میانی:

۱. در تعامل بودن با جمعیت روستایی و بنگاه های روستایی

۲. وجود سطوح زیرین منطقه ای ادارات در این شهرها و کانالیزه کردن نیازها و الویت های سطوح زیرین

۳. تاثیر گذاردن بر تعیین الویت های ملی

۴. کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات و ادارات دولتی در یک یا چند شهر بزرگ

۵. ادغام اقتصاد روستاها با اقتصاد شهرهای بزرگتر به دلیل ارتباط با توسعه روستایی

۶. تسهیل کردن دستیابی به توزیع فضایی موزون سکونتگاه ها

۷. کاهش مشکلات شهرهای بزرگتر، تحرک بخشیدن به اقتصاد روستایی-منطقه ای و کاهش اختلافات و نابرابری های منطقه ای

۸. تقویت شهرهای میانی باعث همبستگی فضایی ملی و گسترش ابداعات فنی و اجتماعی از نواحی مادرشهرها به سایر مناطق

۹. تمرکز زدایی فرصت های شغلی، تجاری کردن کشاورزی و توزیع عادلانه تر رفاه

دلایل اندیشمندان مخالف شهرهای کوچک و میانی:

۱. سیاست تمرکززدایی باید متوجه نظام شهری ملی شود.
۲. سازگاری اهداف سیاست شهری با سایر اهداف توسعه ملی جهت جلوگیری از مغایرت ها و تضادها و توجه به مسائل شهری
۳. توجه به شرایط ویژه کشور در تمرکززدایی از شهرهای بزرگ
۴. توانمندسازی و ظرفیت سازی در سطوح محلی

دلایل طرفداران شهرهای بزرگ:

۱. وجود ارتباطات مثبت بین رشد شهرهای بزرگ و توسعه اقتصادی کشورها
۲. دنبال نکردن سیاست های تمرکززدایی سرمایه گذاری در سراسر کشور برای دستیابی به نرخ رشد تولید ملی
۳. سهم بیشتر شهرهای بزرگ در تامین بودجه ملی
۴. فرصت های اصلی و رشد در شهرهای بزرگ
۵. پتانسیل رشد و توسعه اقتصادی بالا در شهرهای بزرگ

در بسیاری از کشورها راهکارهایی جهت تحدید رشد ابرشهرها اتخاذ شده:

۱. چین: کنترل رشد شهرهای بزرگ به منظور دستیابی به یک نظام شهری متوازن
 ۲. کره جنوبی: کنترل رشد سئول و پوسان و تمرکز زدایی جمعیتی
 ۳. نیجریه: تمرکززدایی اداری و صنعتی و کنترل رشد شهرهای بزرگ
 ۴. اکوادور: خنثی کردن جریان های جمعیتی به سوی دو شهر بزرگ کشور
 ۵. برزیل: کنترل رشد و توسعه شهرداری کلانشهرهای سائوپولو و ریودوژانیرو و نیز کنترل رشد کلانشهرهای منطقه ای
 ۶. ایران: مهار و آمایش رشد تهران، کاهش سرعت رشد کلانشهرها و تمرکززدایی از تهران و شهرهای بزرگ
- البته با توجه به طرح مساله جهانی شدن اینگونه ابرشهرها در مقابله و رقابت با همدیگر قرار میگیرند و هرکدام برای بالا بردن تمهیدات خود در تلاشند

تجربه کشورهای مختلف در مورد تقویت شهرهای کوچک و میانی:

۱. چین: توسعه منطقی شهرهای میانی و تقویت جدی شهرهای کوچک
۲. هند: توسعه یکپارچه و سریع شهرهای کوچک و میانی
۳. کره جنوبی: توسعه صنعتی و تقویت عملکردهای منطقه ای در شهرهای کوچک و میانی
۴. کنیا: بهبود ظرفیت های نهادهای محلی
۵. نیجریه: ایجاد زمینه های اشتغال در شهرهای متوسط
۶. اکوادور: حمایت از رشد شهرهای متوسط و اصلاح نقش این مراکز در خنثی کردن جریان های جمعیتی
۷. برزیل: تقویت نقش شهرهای متوسط
۸. ایران: تقویت جایگاه شهرهای کوچک و میانی در نظام شهری

از این میان نتیجه ارزیابی تجربه هند قابل توجه است :

موفق ترین فرایند توجه به مزیت های اقتصادی مثبت شهرهای کوچک به جای نگرانی از جریان مهاجرت به شهرهای بزرگ است.

برای موفقیت استراتژی توسعه شهرهای کوچک نیاز به ظرفیت سازی منظم ، مدیریت محلی و مالی داریم.

این استراتژی باید در شناسایی پروژه و آماده سازی برنامه ها ی توسعه ای منعطف باشد.

ملاحظات اقتصادی و اندازه شهر

۱. اندازه شهر و کارایی اقتصادی

۲. اندازه شهر و اشتغال

۳. اندازه شهر و تنوع فعالیت ها

۴. اندازه شهر و درآمد شهر و شهرداری

۵. اندازه شهر و رشد و توسعه اقتصادی

۶. اندازه شهر و خدمات شهری

اندازه شهر و کارایی اقتصادی

کارایی شهر اندازه واقعی بازار کار شهر

سیاست گذاری های مربوط به حمل و نقل شهری

اندازه بازار کار اندازه شهر

پراکندگی

سرعت سفرهای درون شهری

بطورمثال افزایش ده درصدی اندازه شهر باعث افزایش دو درصدی کارایی میشود.

هم چنین افزایش سرعت حمل و نقل و کاستن از پراکندگی باعث افزایش میزان بهره وری و در نتیجه میزان تولید شهر میشود .

ارتباط مستقیمی بین تراکم جمعیت و بهره وری وجود دارد بطورمثال بادوبرابر شدن تراکم جمعیت ، بهره وری ۶٪ افزایش میابد.

رابطه اندازه شهر و نرخ بیکاری به شکل وارونه است .

اندازه شهر و اشتغال

افزایش اندازه شهر = کاهش نرخ بیکاری

ساختار اشتغال در شهرها دچار دگرگونی شده است، به این ترتیب که سهم اشتغال در بخش صنعت در شهرها جای خود را به بخش خدمات داده که این روند اشتغال، گرایش به بخش سوم یعنی خدمات نام دارد و با اندازه شهر ارتباط مستقیم دارد و هرچه اندازه شهر بیشتر شود این گرایش نیز فزونی میابد.

رابطه اندازه شهر و نرخ بیکاری به شکل U وارونه است بدین ترتیب که نرخ بیکاری با اندازه شهرتاشهرهای باجمعیت یک میلیون نفر افزایش و از شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت به بالا کاهش میابد .

اندازه شهر و تنوع فعالیت ها

۱. شهرهای بزرگتر متنوع تر هستند و گرایش به تخصصی شدن در آنها بیشتر است ، برای اینگونه شهرها باید حالت تعادلی ایجاد شود که این تعادل وقتی اتفاق می افتد که شهرهای بزرگ دارای فعالیت ها و بخش های متنوع تری باشند.
۲. تخصص در شهرها در نتیجه تعامل یامیان کنش های اقتصادی در درون یک بخش خاص و تنوع در شهرها در اثر میان کنش های اقتصادی بین بخش ها اتفاق می افتد
۳. شهرهای متوسط بیشتر در صنایع بالغ و کمتر در صنایع جدید تخصصی هستند.
۴. وجود تنوع بخشی لازمه جذب صنایع جدید است
۵. در حالیکه برای صنایع بالغ وجود زمینه و سابقه تخصص در گذشته مهم است.
۶. تنوع و رقابت محلی باعث رشد اشتغال شده در صورتیکه تخصص شهری باعث کاهش رشد اشتغال شهری شده است.
۷. برای شهرهایی که با کاهش جمعیت مواجه بوده است اندازه شهر ارتباط مثبتی با تنوع فعالیت های بخشی دارد و هرچه شهر بزرگتر باشد فعالیت های بخشی متنوع تر است.
۸. برای شهرهایی که با افزایش جمعیت مواجه اند اندازه شهر ارتباط معکوس با تنوع فعالیت های بخشی دارد و شهرهای بزرگ در حال رشد کم تنوع تر شهرهای شهرهای کوچک در حال رشد هستند.

اندازه شهر و درآمد شهر و شهرداری

در ارتباط با اندازه شهر و درآمد و یانابرابری های درآمدی نظرات متفاوتی وجود دارد، برخی معتقدند که اندازه شهر بر توزیع درآمدی بی تاثیر است و برعکس مطالعات دیگر نشان میدهد بین اندازه شهر و درآمد رابطه مستقیم وجود دارد

در مورد ارتباط اندازه شهر و نابرابری های درآمدی چنین نظرات متناقضی داریم. برخی به این نتیجه رسیده اند که با افزایش اندازه شهر به دلیل برخورداری بعضی افراد از امکانات و درآمد بیشتر نابرابری ها نیز افزایش میابد اما بررسی های دیگر نشان دهنده این است که با افزایش اندازه شهر و حرکات به سمت شهرهای بالاتر در نظام سلسله مراتب شهری ، میانگین درآمد نیز افزوده شده و این خود منجر به کاهش نابرابری های درآمدی می شود.

از این تضادهای فکری و مطالعاتی این چنین میتوان برداشت نمود که گاه نظریات اقتصادی نمیتواند محدودیتی جهت ارتباط (مثبت یا منفی) بین نابرابری های درآمد و اندازه شهر ایجاد کند.

هزینه و درآمد شهرداری

۱. بیشترین سهم درآمد از درآمد شهرداری در ایران : عوارض ساختمانها و اراضی
۲. سهم شهرداری ها از پرداخت های دولتی بطور میانگین فقط ۱ درصد است .

اندازه شهر و هزینه و درآمد شهری

۱. متوسط هزینه سرانه خدمات شهری ارتباط مستقیم با اندازه جمعیت دارد.

۲. ارتباط اندازه شهر و درآمد؟

اندازه شهر و رشد و توسعه اقتصادی

شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به هم پیوسته است

از آنجا که لازمه توسعه اقتصادی تغییر ساختار و پایه های اقتصاد کشاورزی یک کشور به یک اقتصاد صنعت - خدمات است در مقیاس لگاریتمی ضریب همبستگی ساده بین درصد شهرنشینی و سرانه تولید ناخالص داخلی برای کشورهای در حال توسعه حدود ۰.۸۵ است.

میزان تمرکز شهری مقداری بهینه دارد که بیشتر یا کمتر از آن تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور دارد

بهترین تمرکز شهری با اندازه کشور کاهش می یابد.

تمرکز سیاسی باعث تشدید تمرکز شهری و برعکس افزایش فدرالیسم باعث کاهش تمرکز شهری می باشد.

عامل اصلی و تاثیرگذار در کاهش تمرکز، سرمایه گذاری در زیر ساختهای حمل و نقل بین منطقه ای است بویژه افزایش تراکم شبکه های جاده ای باعث کاهش قابل توجه تمرکز و در نتیجه افزایش درآمد میشود.

اندازه شهر و خدمات شهری

به نظر نظریه پردازان مکان های مرکزی، هرکالا و خدمتی برای استقرار و تداوم عرضه نیاز به یک حداقل از استانه های جمعیتی و اقتصادی دارد. بنابراین توزیع و سلسله مراتب کالا و خدمات علاوه بر ارتباط مستقیم با اندازه جمعیتی، متضمن اقتصادی بودن آنها نیز میباشد.

اندازه شهر بر نوع تسهیلات و مقیاس در یک سکونتگاه تاثیرگذار است طبیعتاً هر قدر سکونتگاه بزرگتر باشد هزینه ها بیشتر است.

سرانه هزینه خدمات شهری نیز در شهرهای بزرگتر بیشتر است.

اندازه شهر و ملاحظات اجتماعی

از دیدگاه جامعه شناسان اندازه شهر و تعداد کنشگران چه تاثیری بر تعامل و روابط اجتماعی دارد؟

گئورگ زیمل برای تحلیل کنشهای اجتماعی متغیر اندازه، فاصله، موقعیت، ظرفیت، خود درگیری و تقارن را به کار برده است که به نظر زیمل اندازه گروه با افزایش تعداد کنشگران ترتیب ساختی خاصی را بر گروه تحمیل میکند.

نتیجه مطالعات مربوط به اندازه شهر و ملاحظات اجتماعی به شرح زیر جمع بندی شده است:

جمع بندی مطالعات مربوط به اندازه شهر و ملاحظات اجتماعی:

۱. در شهرهای کوچک که بیشتر افراد تعلق به گروه های خویشاوندی دارند، روابط اجتماعی از نوع روابط نخستین است.
۲. اندازه کوچک شهر سبب می شود تا انسجام اجتماعی بیشتر شود و دستیابی به اهداف جمعی با سهولت بیشتری امکان پذیر گردد.
۳. در شهرهای کوچک تعاملات اجتماعی از طریق روابط رودررو و صمیمانه سازمان اجتماعی را می سازند. کالبد انجام این تعاملات به سبب سادگی، هماهنگی کامل هماهنگی کامل با چنین سازمان اجتماعی دارد. به این ترتیب نوعی یگانگی اجتماعی در سطح جامعه ایجاد می گردد. اما در شهرهای بزرگ به سبب تخصصی و بخشی شدن روابط اجتماعی و همچنین وسعت کالبدی فضای شهر یگانگی اجتماعی کلی از میان می رود.
۴. در محیط های کوچک مانند روستا و شهرک زندگی بر مبنای سنت و عادت گردیده است، اما در محیط های شهری بزرگ زندگی عقلانی شده است.
۵. فرسایش سرمایه اجتماعی در شهرهای با اندازه بزرگ به معنی تضعیف هنجارهای تسهیل کننده کنش اجتماعی، کم شمار شدن انجمن ها و گروه های داوطلبانه، کم توجهی به مسائل عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی است. با افزایش اندازه شهر و از میان رفتن شبکه های اجتماعی پیشرو، سرمایه اجتماعی از میان رفته یا کاهش می یابد که در این صورت نهادهای مردم سالاری مانند شوراهای شهر به علت اتکای آن ها به اعتماد و مشارکت اجتماعی نمی توانند عملکرد موفقیت آمیزی داشته باشند.
۶. افزایش زندگی اجتماعی در شهرهای بزرگ سبب تنزل روابط اجتماعی می شود. هرچند زندگی در کلانشهرها آزادی فرد را به دنبال دارد اما آزادی بیش از حد سبب می شود تا فرهنگ مدنی آسیب پذیر شود.
۸. در شهرهای بزرگ احتمال دارد که افراد و به ویژه مهاجرین به مسئله بحران هویت دچار شوند، اما به طور معمول مهاجرین با گردهم آمدن و تجمع در کنار یکدیگر به باز تعریف هویت گذشته خود که عمدتاً روستایی یا مربوط به شهرهای کوچک تر است می پردازند. اما باید توجه داشت که این باز تعریف هویت جمعی را تضعیف نکند.
۹. تراکم جمعیت بیشتر در شهر بزرگ تخصصی شدن و تمایز یافتن فزاینده را در پی دارد، و در نتیجه به علت تنوع و تعدد ساختارها و مشکلات و پیچیدگی روابط اجتماعی حفظ نظم اجتماعی چندان ساده نیست و همین ویژگی سبب می شود تا امکان پیدایش جرائم سازمان یافته بیشتر گردد.

ملاحظات زیست محیطی و اندازه شهر

از نظر زیست محیطی پاسخ به این سوال ضروری است که شهر در اندازه کوچک مناسب خواهد بود یا در اندازه بزرگ؟

مشکلات زیست محیطی در شهرهای بزرگ حاصل تعارض و تقابل آنها با محیط طبیعی است زیرا توسعه شهری ضرورتاً با تسلط ساختمان ها، صنایع، حمل و نقل و فعالیت های اقتصادی با فضاها و فضاها طبیعی همراه است و این تسلط تدریجاً به شکل چیرگی شهر بر طبیعت تغییر می یابد.

اثرات منفی اندازه شهر

۱. آلودگی هوا
۲. افزایش مصرف انرژی
۳. رشد تقاضا

شهر پایدار شهری است که توسعه آن علاوه بر تامین نیازهای کنونی، توانایی نسل های آینده را در برطرف کردن نیازهایشان با خطر مواجه نسازد.

این تعریف دارای دو مفهوم است:

۱. نیازها به ویژه نیازهای فقرا
 ۲. ایجاد محدودیت های اجتماعی و فنی بر توانایی نسل های حاضر و آینده در بهره برداری از منابع زیست محیطی
- بنابراین می توان نتیجه گرفت رشد و توسعه شهری و به تناسب آن افزایش اندازه شهر چه در بعد جمعیتی و مساحت تاثیر بسیار زیادی بر محیط طبیعی و توان ظرفیت پذیری محیط دارد.

مجموعه عوامل محیطی موثر در توانمندیهای محیط

۱. عوامل اقلیمی شامل حداقل و حداکثر دمای هوا و ...
۲. عوامل زمین شناختی شامل لرزه خیزی، وجود گسل و...
۳. عوامل هیدرولوژیک شامل جهت و دبی جریانهای آبهای سطحی و ذخایر زیرزمینی آب
۴. عوامل خاک شناسی شامل زهکشی، دانه بندی، فرسایش پذیری
۵. عوامل توپوگرافیک شامل شیب زمین، ارتفاع از سطح دریا، تپه
۶. عوامل پوشش گیاهی شامل نوع و ترکیب گیاهان، پراکندگی و...
۷. کیفیت هوا شامل آلودگی مونواکسید کربن، اکسید سولفور و...
۸. کیفیت آب شامل آلودگی بیولوژیک، شوری، رادیواکتیویته و...
۹. کیفیت خاک شامل آلودگی به فاضلاب، مواد جامد زائد و مواد شیمیایی
۱۰. آلودگی صوتی شامل شدت، مدت، موقعیت و منبع صدا

جدول تعیین توان و سطح زندگی

جهت ارزیابی ظرفیت محیط زیست شهر در تقابل نیازها و پیامدهای زندگی شهری با توان محیط طبیعی می توان از جداول تعیین توان و سطح زندگی، وضعیت محیط زیست شهر را جهت پذیرش جمعیت بیشتر و گسترش فیزیکی آن را تعیین نمود.

پس از مقایسه و ارزیابی ظرفیت بهره برداری می توان ظرفیت تحمل محیط را به دست آورد و تعیین سقف جمعیتی و بزرگی و کوچکی برای شهرها براساس مسائل سیاسی، مدیریتی و اجرایی براساس ملاحظات زیست محیطی شهرها قابل تعیین است.

بنابراین چنین نتیجه می گیریم که هر شهری و یا هر مکانی به تبع آن هر کشور دارای بار جمعیتی مشخص و معینی است تا بتواند بر اصول توسعه پایدار متکی و حافظ و پایدار محیط زیست باشد.

نتیجه مطالعات مدیریت شهری و اندازه شهر

۱. سیاست های ضعیف مدیریتی عامل اصلی تخریب شهرها. شهرداری ها و حکومت های محلی که قادر نیستند خدمات مورد نیاز ساکنین شهری را فراهم سازند خود منشا مشکلات هستند.
۲. مدیریت مناسب می تواند دائما منحنی سود و هزینه های شهری و در واقع اندازه بهینه شهر را تغییر دهد.
۳. شهرها و به ویژه ابرشهرها منبع عمده تولید و رشد و دارای نقش عمده در توسعه اقتصادی کشورها هستند. این نقش به صورت بالقوه است و با مدیریت مطلوب به صورت بالفعل درمی آید. در این میان نقش کلیدی را اندازه موثر بازار کار دارد که نه تنها تابعی از اندازه شهر است، بلکه به وسعت شهر و میزان کارایی سیستم حمل و نقل نیز وابسته است.
۴. شهرهای بزرگ زیاده از حد بزرگ نیستند بلکه احتمالا مدیریت آن ها دشوارتر از شهرهای کوچک است. بزرگنمایی جنبه های مثبت یک شهر و نیز کنترل جنبه های منفی آن برای یک شهر ۱۰ میلیونی پیچیده تر از یک شهر یک میلیونی خواهد بود اما باید توجه داشت که در شهرهای بزرگ امکانات مالی و انسانی بیشتری نیز وجود دارد.
۵. کارایی و بهره وری شهرهای بزرگ وابسته به مدیریت شهری است.

نوع مشکلات مدیریتی با اندازه شهرها متفاوت می شود:

شهرهای کوچک :

۱. محدودیت نیروی انسانی ماهر (فنی و مدیریتی)
۲. روال های روزمره مدیریتی
۳. سیستم های بودجه ریزی

شهرهای بزرگ :

وجود سازمان های بزرگ دیوان سالار و عدم وجود ارتباطات مناسب بین سازمان ستادی با ستاد مرکزی و در نتیجه عدم پاسخگویی حکومت به نیازهای فردی

در مجموع می توان گفت که معضل مدیریتی در شهرهای بزرگتر به مراتب جدی تر است، در حالیکه در شهرهای کوچکتر بیشتر مسئله کمبود منابع مطرح است.

با افزایش اندازه شهر و تبدیل شدن به ابرشهر مدیریت آنها به وسیله نهادهای متمرکز مرکزی دشوارتر میگردد. در صورتی که فرایند غیرمتمرکز و مشارکتی احتمال ایجاد چنین تعادلی را بیشتر می سازد.

نتیجه گیری :

اوایل دهه ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۷۰

اغلب دیدگاه های اولیه در مورد اندازه بهینه شهر هزینه های خدمات شهری را با اندازه شهر سنجیده و براین اساس اندازه بهینه ای را برای شهر تعیین کرده اند.

تلاش های نظری و تجربی بعدی سعی کرده اند تا ارتباط بین هزینه ها یا درآمدهای شهری را با اندازه شهری و نه با اندازه بهینه شهر بررسی کنند.

نگاهی به نظرات اندیشمندانی که اندازه بهینه مشخصی را برای شهر تعیین میکنند نشان میدهد:

دامنه تغییرات اندازه مشخص شده به عنوان اندازه بهینه شهر بسیار وسیع است (بین ۱۰ هزار تا ۸ میلیون نفر)، شهرها متفاوت اند و عملکردهای متفاوتی دارند بنابراین تعیین یک اندازه مشخص به عنوان اندازه بهینه شهری امکان پذیر نیست.

نظریه مورد توجه در مورد اندازه شهر می گوید که اندازه مطلوب هر شهری فقط با درک جامع ویژگی های آن شهر و روابط متقابل آن در منطقه ای که واقع شده قابل تعیین است و ارائه اندازه بهینه ای از شهر غیر واقعی است.

نتیجه مطالعات ملاحظات اقتصادی و اندازه شهر:

علی غم مقرون به صرفه بودن شهرهای بزرگ اندازه بهینه ای برای شهر نمیتوان ارائه داد.

نتیجه مطالعات ملاحظات اجتماعی و اندازه شهر:

برای هر یک از شهرهای بزرگ و میانی و کوچک نمیتوان اندازه بهینه ای مشخص کرد زیرا هریک دارای نقاط مثبت و منفی خاصی هستند.

نتیجه ملاحظات زیست محیطی و اندازه شهر:

نمیتوان اندازه بهینه ای برای شهر تعیین کرد چرا که هر شهری یا هر مکانی دارای ظرفیت تحمل بار جمعیتی مشخص است تا بتواند بر اصول توسعه پایدار متکی و حافظ پایداری محیط زیست باشد و در نتیجه تعیین اندازه مطلوب شهر بیشتر به مکان جغرافیایی شهر بستگی دارد.

نتیجه مطالعات مدیریت شهری و اندازه شهر:

نشان میدهد که اندازه بهینه ارتباط مستقیمی با نحوه مدیریت شهری دارد و نمی توان اندازه بهینه ای تعیین کرد.

بنابراین در مجموع می توان چنین نتیجه گیری کرد که اندازه ای بهینه ای برای شهر متصور نیست و به جای اندازه گیری شهر باید به نظام شهری کارآمد یا سلسله مراتب شهری مطلوب فکر کرد پس اندازه ای مطلوب شهر در چارچوب نظام شهری مطلوب مفهوم می یابد.